

فقط من و لاله

همسر ناصر بودیم

همسر فعلی ناصر محمد خانی برای اولین بار به سوالاتی درباره چگونگی آشنا شدنش با ناصر خان، ماجراهای لاله و شهلا میزبان مهریه اش و ... پاسخ می دهد

مجید حسین زاده | روزنامه نگار



«حتما می دانید که من تا حالا با هیچ روزنامه، مجله، تلویزیون های اینترنتی و شبکه های اجتماعی که درخواست گفت و گو داشتند و خیلی هم بودند، صحبت نکردم از خبر نگارهایی که دوست نزدیک ناصر خان بودند و قول گرفتند که اگر تصمیم داشتم صحبت کنم، آن ها و رسانه شان اولین نفر و جایی باشند که صحبت می کنم. بگیری د تا بقیه اما وقتی زندگی سلام را دیدم و سوالات شمارا به ناصر خان نشان دادم، تصمیم گرفتم که جواب سوالات تان را بدهم،» سپیده فکوری، ۳۸ ساله، نقاش و همسر تازه ناصر محمد خانی فوتبالیست پیش کسوت تیم ملی و پرسپولیس است که با بیان این مقدمه، حاضر شد تا برای اولین بار جزئیات شنیده نشده ای از تصمیم اش برای زندگی با این چهره شناخته شده باشگاه پرسپولیس را با ما در میان بگذارد. ناصر محمد خانی، فوتبالیست از زنده ای بود که بعد از پایان فوتبالش و به دلیل ماجرای قتل همسرش توسط همسر موقتش شهلا دوباره مورد توجه قرار گرفت و بعد از مدتی دوباره به خاطر ماجرای درگیری با خانواده همسر موقت بعدی اش حاشیه ساز شد اما حالا زندگی تازه ای را با همسر فعلی اش شروع کرده است. شایان ذکر است که محمد خانی از مرحوم سحر خیزان دو پسر به نام های علی و عرفان و از همسر فعلی اش هم یک پسر به نام الوارضا دارد. در پرونده امروز زندگی سلام، به سراغ پاسخ های همسر فعلی ناصر محمد خانی، رفته ام تا کمی با مسائل زندگی با آدم های شناخته شده و مورد حساسیت بخشی از جامعه بیشتر آشنا شویم و البته بدیهی است که روایاتی در این گفت و گو آمده دیدگاه های خانم فکوری است و ممکن است دیدگاه های دیگری در باره بخشی از موضوعاتی که در این گفت و گو مطرح شده، وجود داشته باشد. او در ابتدای صحبت هایش به این نکته اشاره می کند که دوست دار د به همه سوالات مان، صادقانه جواب بدهد چون آدم رک و راستی است.

من خیلی آدم مشکل پسندی بودم

به عنوان اولین سوال می پرسم که چطور با ناصر خان آشنا شدید که می گوید: «چند سال پیش من به ناصر زنگ زدم که خبر فوت یکی از فامیل های نزدیک مان را که با ناصر خان هم دوست بود به او بدهم. آن موقع وقتی تلفن را قطع کردم به برادر م گفتیم که ناصر خان چقدر صدای قشنگی دارد و صدایش مثل دوبرو هاست. وقتی هم برای اولین بار در مراسم ختم همان فامیل نزدیک مان، او را دیدم به خانواده ام گفتم که چقدر شبیه شاهزاده هاست. زمانی هم که ناصر خان از من خواستگاری کرد، تعجب نکردم و یک جور هایی می دانستم که این اتفاق خواهد افتاد. در کل من خیلی آدم مشکل پسندی بودم و دوست داشتم که همسر همه چیز را با هم داشته باشد یعنی خیلی خوش تیپ باشد، حرف زدن بلد باشد، تحصیلات داشته باشد، برای انسانیت ارزش قائل باشد و ... که وقتی با خانواده ناصر آشنا شدم، متوجه شدم که انتخابم درست بوده است. در باره واکنش خانواده ام به خواستگاری ناصر خان از من، باید بگویم خانواده ام ناصر خان را می شناختند و خیلی هم او را دوست داشتند بنا بر این از این نظر مشکلی نبود.»

علی آقا پروین گفتند که مراسم عروسی را لغو کنید

برگزاری مراسم عروسی تان در سال ۹۶ با حرف و حدیث های زیادی همراه شد، در این باره توضیح می دهید: «ما مهر ۹۵ با یکدیگر آشنا شدیم و اسفند همان سال عقد کردیم و آذر ۹۶ رفتیم خانه خودمان و جشن عروسی مختصری گرفتیم. هر چند شبکه های اجتماعی و بعضی سایت ها زدند که جشن عروسی مفصلی برگزار کردیم اما واقعا این طور نبود و فقط برای آشنایی خانواده ها بود. همان زمان علی آقا پروین به ناصر خان گفته بود که چون آن موقع زلزله آمده بود، هزینه های مراسم را خرج زلزله زده ها کنید و کل مراسم را لغو کنید اما من گفتم که کاش علی آقا زودتر این نکته را گفته بودند و چون مهمان هایم را دعوت کرده بودم، امکان لغو کردنش وجود نداشت و به همین دلیل هم علی آقا در مراسم مان شرکت نکردند و به نظر من ناراحت شده بودند که امیدوارم این طور نباشد.»



من به ناصر مطمئن هستم و اعتماد کامل دارم

به او می گویم من را ببخشید اما راستش هنوز نمی توانم این ماجرا را هضم کنم که شما چطور به خواستگاری ناصر خان جواب مثبت دادید؟! همسر ناصر محمد خانی این طور پاسخ می دهد: «زن های شناسنامه ای ناصر فقط دو نفر بودند، یکی من و یکی مرحوم لاله. اگر فرد دیگری وارد زندگی ناصر خان شده، دلیل اش این بوده که او دوست نداشته با فردی آشنا باشد که محرمش نباشد و در صحبت هایش به گناه آلود شود. حتی وقتی دختر و

مهریه ام تنها یک سکه است

از او می پرسم بعضی ها می گویند که شما به خاطر پول با ناصر خان از دواج کردید. در ابتدای گفت و گو هم گفتید که می خواهم صادقانه به سوالات پاسخ بدهم بنا بر این می شود بگویید که مهریه تان چند سکه است و ناصر خان تا امروز چه چیز هایی را به نام شما زده از ملک گرفته تا خودرو، که پاسخ می دهد: «من مهریه ام یک سکه است به یگانگی خداوند. ناصر خان قبل از عقد با این تعداد موافق نبود و قبول نمی کرد. حتی تا چند لحظه قبل از خوانده شدن عقد می گفت که نمی شود و باید مهریه ات را ببری بالا اما من به او گفتم که من به مهریه اعتقاد ندارم. بعضی مردم فکر می کنند من به خاطر پول با ناصر خان از دواج کردم. من هر چیزی هم که دارم، به نام مادر ام است چون از آن دسته آدم هایی نیستم که حوصله محضر رفتن، سند زدن و ... داشته باشم. پدرم هم هر وقت خواسته چیزی به نامم کند، گفتم که به نام مادر م بزند. در باره ناصر خان هم همین طور است، هر وقت خواسته چیزی به نامم بزند، به او گفتم که من نمی خواهم مدیون بچه های لاله باشم. به او گفتم که تو هر چه داری، مال سه تا بچه ات است. ناصر خودش و وجودش برای من، مهریه است.»

از نظر من ناصر در قتل لاله هیچ نقشی نداشت

تصمیم به از دواج با مردی که یک زنش به قتل رسیده، همسر دیگرش قاتل بوده، خانواده زن سومش او را زد دیدند و ... اصلا کار ساده ای به نظر نمی رسد. فکوری اما نظر دیگری در این باره دارد: «من می دانستم که ناصر حتی یک در صدمه در ماجرا های پیش آمده برای ازدواج های قبلی اش مقصر نیست. یکی از فامیل های خیلی نزدیکم که قاضی دادگستری بود، همان زمان بر ایم توضیح داد که ناصر مقصر نبوده و در قتل خدا میزبان لاله هیچ نقشی نداشته است. تنها تقصیر ناصر این بود که از دواج موقت کرده بود. افرادی امثال شهلا دنبال آدم های با آبرو هستند تا زندگی شان را به هم بریزند و خراب کنند. من مطمئن هستم اگر ناصر خان لاله را آن قدر دوست نمی داشت، لاله هیچ وقت کشته نمی شد. اگر او به خواسته های خانم جاهد تن می داد، هیچ وقت لاله کشته نمی شد. البته و به خاطر بزرگ بودن اسم ناصر خان، در این ماجرا بعضی رسانه ها شیطنت کردند و گر نه مثل این

اسم شهلا که می آید، ناصر خان یک هفته بی خواب می شود

تا به حال با ناصر خان در باره گذشته اش صحبت کردید؟ کنجکاو شدید تا بیشتر در این باره بدانید؟ واکنش ناصر چه بوده است؟ فکوری پاسخ می دهد: «راستش را بخواهید وقتی اسم شهلا می آید، ناصر خان یک هفته در خانه فقط راه می رود و نمی خوابد چون واقعا هم به او و هم به پسر هایش خیلی آسیب زده است. من واقعا دوست نداشتم که از ناصر خان در این باره سوالی کنم. هر وقت، فرد دیگری هم در این باره از او سوالی می کند، تا یک هفته می رود تو خودش. من عکس هایی از آن موقع را دیدم که عرفان و علی می رفتند روی قبر مادر شان می خوابیدند، بوشش می کردند و ... من وقتی آن عکس ها را دیدم، یک هفته از لحاظ روحی داغون شده بودم. این را هم شنیدم که مرحوم سحر خیزان از شهلا خواهش کرده بود که او را به خاطر بچه هایش نکشد اما»

... ناصر از دواج موقت داشته تا ببیند اگر طرف مقابلش اهل زندگی است، از دواج کند اما دیده که مشکل دار است. آیا باید با او از دواج می کرد تا خودش را بدیخت کند؟ از همه این ها گذشته، من به ناصر مطمئن هستم و اعتماد کامل دارم. من ناصر را می شناسم و می دانم دیگر از این ماجرا ها برایش پیش نمی آید.»

این روزها ناصر خان جایی مشغول کار نیست

از خانم فکوری در باره شرایط اقتصادی این روزهای ناصر خان و برنامه روزانه شان می پرسم که می گوید: «الان ناصر جایی مشغول کار نیست و همه روز را در کنار یکدیگر و الوارضا سپری می کنیم. او مغازه اش را اجاره داده و الان سر کار نمی رود. یک روز در میان سه نفری به پیاده روی می رویم. یک روز در میان هم الوارامی بریم استخر که ناصر خان به او شنا یاد می دهد. گاهی هم می نشینم پای تابلو برای نقاشی کشیدن. به تازگی هم نقاشی کشیدن ناصر خان خیلی بهتر شده است. خود روی ناصر خان اکنون اپتیما و من هم مزدا ۳ دارم. ناصر خیلی سرعتی رانندگی می کند و من از این موضوع ناراحت می شوم البته رانندگی اش بی نظیر است.

از شوخی با ناصر در شبکه های اجتماعی ناراحت نمی شوم

از او می پرسم بعد از ازدواج ناصر خان با شما، هر از چند گاهی به خصوص در شبکه های اجتماعی در باره چندین بار از دواجش، شوخی هایی می شود. از دیدن آن ها ناراحت می شوید؟ می گوید: «اصلا با شوخی هایی که در شبکه های اجتماعی با ناصر خان می شود، ناراحت نمی شوم. آن حرف ها اصلا برای من مهم نیست چون می دانم که ناصر خان فقط دو تازان داشته، یکی من و یکی مرحوم لاله. فردی که با شناخت کامل وارد زندگی مشترک شود، هیچ نگرانی نخواهد داشت و من ناصر را کاملا می شناسم.»

چند روز ناصر خان را نبینم به کما می روم

به خانم فکوری می گویم که بعد از پنج سال زندگی مشترک با ناصر خان از این تصمیم تان راضی هستی می گوید: «خدا من را خیلی دوست داشت که ناصر خان را سر راه من برای ازدواج قرار داد. او این قدر مهربان، خوب، با شخصیت و ... است که من به همه فامیل و آشنا ها گفتم که امیدوارم زودتر از ناصر خان بمیرم چون حتی نیم ساعت بدون او نمی توانم به زندگی ادامه بدهم. چند وقت قبل در یک آرایشگاه زانه این ها را گفتم که همه گفتند هیچ زنی در این دوره و زمانه این جور نمی گوید! خیلی به او وابسته هستم. هر چند وقت یک بار، ناصر خان چند روزی برای دیدن پسرش عرفان به قطر یا انگلیس می رود و واقعا من به کما می روم یعنی نه غذایی درست می کنم، نه بیرون می روم، نه می خندم، نه در یخچال را باز می کنم برای خوردن چیزی و ... یک جور زندگی می کنم که انگار لحظه ها را می شمارم برای رسیدن ناصر. نیم ساعت هم نمی توانم دوری اش را تحمل کنم.»

هیچ مشکلی با بچه های ناصر خان ندارم

از دواج با فردی که دو پسر دارد، از دیگر مسائلی است که نمی توان بدون توجه از کنارش گذشت. فکوری می گوید: «ناصر خان دو پسر به نام های علی و عرفان از مرحوم لاله دارد. علی ایران است و برای خودش خانه دارد و جدا از ما زندگی می کند. عرفان هم که برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی به انگلیس رفته است. بچه های ناصر فوق العاده خوب هستند و همان طور که من به آن ها علاقه دارم و احترام شان را نگه می دارم، آن ها هم به من و الوارضا احترام می گذارند. چون ناصر را دوست دارم، عاشق بچه هایش هم هستم. الان هم که پسران ناصر، برادران پسر ما هستند.»

عشق مان دو طرفه است

«ناصر محمد خانی» هم بعد از درخواست ما، رضی می شود که چند جمله کوتاه در باره همسر فعلی اش به ما بگوید. البته قبلش می گوید که من به خاطر کرونا چند وقتی است که به زیارت نیامدم و دلم خیلی هوای حضرت را کرده است، اسم بچه ها را هم به خاطر امام زلاع گذاشتم و الوارضا. در باره عشق همسرش و زندگی این روزهایش هم می گوید: «کم و بیش صحبت های سپیده جان را شنیدم و فقط می توانم بگویم که دل به دل راه دارد و این عشق و علاقه دو طرفه است. به قول مهران ممبری در برنامه دور همی که می پرسید آیا احساس خوشبختی می کنید، باید بگویم که خیلی احساس خوشبختی می کنم. بیشتر روز هم با هم هستیم، می رویم پیاده روی با بچه ها و ... این انتخاب ما آگاهانه بود و با قبلی ها خیلی فرق می کرد. هم ایشان شناخت داشت و هم من. او یکی از بهترین کدبانو هاست، اهل زندگی خانواده اش اصیل است، تحصیل کرده، خانه دار، استاد من در نقاشی و ... خیلی خوشبختم، همین.»



زندگی سلام
دوشنبه
۱۲ آبان ۱۳۹۹
شماره ۱۷۳۳

خانواده و مشاوره

